باسمه تعالی

مادران شهدا، شاخص ساز زندگی نوین

مادران شهدا زینبی وار زندگی کرده و سرتاسر زندگی خود را با توجه به آیات نورانی قرآن پیوند زده و نهال وجودی خویش را از همان باطن، نورانی و پربار کرده بودند. سبک تربیتی ایشان برگرفته از مکتب اهل بیت(علیهم السلام) بوده و فرزندان خود را عاشورایی و شهادت طلب بار آوردند؛ زندگی شان ساده و همراه با دلنشینی و همواره در اندیشه‌ی حمایت از ولایت فقیه متکی بر خدمت خالصانه بود.

ایشان در عمق وجود خود، از همان اوان جوانی برای زنده نگه داشتن انقلاب و برای حفظ ارزش هایشان، فرزندانی حق طلب و مطالبه گر، به بار آوردند تا جایی که حاضر شدند؛ تنها داراییشان را که فرزندشان بود؛ تقدیم راه خدا کنند و پیکر گلگون شده‌ی ایشان را ببینند ولی خم به ابرو نیاورند تا سال ها سکوت از این غم، امان ایشان را از زندگی برُباید.

رسالت ما رساندن صدای مادران شهیدان و نشان دادن راه ایشان به حق طلبانی همچون آن‌هاست که شروع آن با تکریم جایگاه مادران آسمانی شهدا قرین بوده و می توان روح با عظمت آنان را با تأسی از حضرت ام البنین(سلام الله علیها)؛ پیوند داد که توانستند اینگونه در سکوت خود، فرزندان خود را با رضایت و یا تشویق؛ راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل کنند تا از آرمان های انقلاب و لایت فقیه حراست کنند.

مادران شهدا گنجینه های تاریخی اسلام بوده و هستند اما به دلیل غفلت از ایشان، با فقدانشان یا نبودن در کنارشان؛ در حال فراموش شدن هستند. نقش سازنده ایشان در انسان سازی و به قول حضرت امام خمینی(ره)؛ که زن را یک انسان و مربی بزرگ معرفی کرده است و در معرفی بُعد انسانی زن فرموده اند:«قرآن کریم انسان ساز است و زن ها نیز انسان ساز....اگر زن های انسان ساز از ملت ها گرفته شود؛ ملت ها به شکست و انحطاط مُبدّل خواهند شد.» پس مادری کردن یعنی «انسان‌سازی» و این به معنای گره زدن آینده بشریت به سبب زن و آن هم در نقش مادر است.

شاید بتوان نقش مربی گری مادران شهدا را در سه حیطه‌ی زیستی -عاطفی-اجتماعی مهم دانست که نشان دهنده این است که زندگی ایشان با مفاهیم دینی ما منطبق است از جمله:

نقش بسیار تعیین کننده مادران شهدا، از هنگام انعقاد نطفه تا رسیدن به سن آموزش و رفتن به مدرسه است که در مقایسه با نقش پدر بسیار با اهمیت تر است چرا که در دوران جنینی، مادر مستقیم ترین نقش را داراست. در اسلام خانواده موظف است که جهان بینی صحیح الهی و اسلامی یعنی اصول دین را به فرزند خود بیاموزد و او را با احکام شرعی و ارزش ها آشنا کند و این در حالی است که این مادران با وضو به فرزندان خود شیر می دادند و همواره سعی می نمودند رو به قبله استراحت کنند و یا اغلب با صدای تلاوت قرآن، این حکمت های نورانی را در روان ناخودآگاه جنین و یا طفل خود ثبت و ضبط می نمودند؛ لذا فرزندانشان را در محیطی رشد دادند که مهر و محبت و نورانیت، فضای منزل را پر کرده و اساساً شخصیت ایشان همراه با ایمان شکوفا شده بود؛ چرا که طبق دیدگاه جامعه شناسان همچون کاردینر که بحث شخصیت اساسی را عنوان کرده معتقد است: «در افراد هر جامعه صفاتی مشترک می توان یافت و آن صفات که شخصیت اساسی آنان را تشکیل

می دهد؛معلول نهادهای نخستین اجتماعی است و هم آن صفات به نوبه خود در نهادهای ثانوی آن جامعه منعکس می گردد و بر آن اثر می نهد؛ در جامعه ای که تربیت کودک با بازی و مدارا و ملاطفت آمیخته است شخصیت اساسی افراد به نرم خویی و آسان گیری مقرون می شود اما تربیت سختگیر انسانی تندخوی بار می آورد.»

لذا شهید پروری کمتر از کار شهدا نیست؛ امروز نیز پدران و مادران و همسراني هستند که با خدمت خالصانه خود؛ از سبك زندگي گرفته تا شیوه هاي مدیریتي ایشان را می توان سرلوحه بسیاری از زندگی ها نمود و پای حرف ها و داستان های حقیقت طلبشان نشست؛ بنابراین اگر امروزه در فضای تجدد، دچار بحران هویت در الگوی اسلامی تربیت شده ایم نیاز به مادرانی مربی و طبق بیانات مقام معظم رهبری زنانی هست که در ایجاد صمیمیت میان اعضای خانواده نقش کلیدی و اصلی را ایجاد می کنند و بنابراین در این فرهنگ سازی باید به نقش کلیدی مادران شهید و اغلب خانه دار توجه نمود و بدانیم پرورش اسلامی زنان و مردان در همه مسائل باید پرورش اسلامی پیدا کند و مأنوس شدن زنان و مردان با قرآن می‌تواند در تربیت فرزند تاثیر زیادی داشته باشد.

موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور(مجموعه رهنمودهای امام خمینی(ره))

خامنه ای، سید علی، بیانات

برن، اریک، بازی ها- روان‌شناسی روابط انسانی، ترجمه اسماعیل فصیح

پاملا، ابوت و کلر والاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی

کوزر، لوئیس آلفرد و برناردز روزنبرگ، نظریه های بنیادی جامعه شناختی